جهش دانش و پژوهش در سایه برنامه های خاتمی

بقیه از صفحه ۲۳

*** اگر این توان علمی افزایش پیدا کند، محلی برای خرج کردن آن وجود دارد؟ به عبارتی، صنایع بزرگ تا چه اندازه می توانند این علم را تبدیل به کالا کنند؟**

ما فعلاً این صنایع بزرگ را نداریم. به همین دلیل، باید یک سیاستگذاری بسیار جدی انجام شود. شما شاهد این هستید که زمانی آقای خاتمی ریاست جمهوری را ترک می کنند که مسؤول و رئیس شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری شده بودند. یک جلسه بیشتر از این نظام سازمانی و اداری نگذشته بود که ایشان این شورا را ترک کردند. اگر شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری دوام لازم را بیاورد و سیاستگذاری های سنجیده ای به عمل بیاید، طبعاً می توان امیدوار بود، ولی اگر این شورا تبدیل به یک نظام اداری صرف بشود، نمی توان چنین انتظاری را داشت. موضوعی که شما در سؤالتان به آن اشاره کردید، مستلزم چرخ عظیمی است که به گردش درآوردن آن، کار ساده ای نیست، بین نهاد علمی وتأسیسات صنعتی، باید به قدری واسطه های دیگر عمل کنند تا این چرخه، عملی شود.

*** به نظر شما تا چه اندازه به گردش درآمدن این چرخه، عملی و امکان پذیر است؟**

چیزی که فعلاً در چنگ داریم، پرسنل لازم است. این پرسنل ممکن است که در حیطه پزشکی به صورت منفرد به کار بیاید، ولی در سطوح تکنولوژی به طور کلی، نه. باید نهادهای واسط متعددی عمل کنند تا این پیوند برقرار شود. از این وضعیت هم بسیار دور هستیم.

*** در این هشت سال، کوششی صورت نگرفت که این نهادها به وظیفه خودشان عمل کنند؟**

نه، متأسفانه نهادهای واسط، نهادهایی هستند که بیشتر نیمه اداری و نیمه دولتی محسوب می شوند. بنابراین، مراکز دولتی باید این نهادها را فراهم کنند. مثلاً باید یک قانون درست وحسابی، در مورد مالکیت فکری داشته باشیم. این مسأله دیر الزامی که آقای خاتمی در مصدر امور بودند، به جایی می رسید، اما متأسفانه نرسید.

*** بحث شما ناظر به کیفی رایت است؟**

کیفی رایت و همچنین ارائه راهکارهایی برای این که اگر یک استاد، اختراعی داشت، چگونه آن را به ثبت برساند. بعد هم که به ثبت رساند، چگونه و تحت چه شرایطی، می تواند اختراع خود را به محیط های تجاری برساند. این کار، تسهیلات حقوقی و قانونی می خواهد.

اما هنوز از این مضرات و قوانین، خیلی دور هستیم. فرصتی هم نداریم. با این که در ایام زمامداری ایشان، سعی شد که موارد مشابه صورت بندی شود و به قاعده و قانونی برسد، فعلاً نتیجه مطلقی به دست نیامده است.

*** آقای دکتر اعتماد، شما فکر می کنید با همین نتایج نسبی که به دست آمده است، آینده علمی کشور چگونه خواهد بود؟**

امکاناتی را که دولت آقای خاتمی به عنوان میراث به جا گذاشت، امکانات خوبی هستند و علاوه الاصول ازنظر مایه های درونی، چیزی کم نداریم. لاقل باید بتوانیم همین موقعیت موجود را حفظ کنیم. ولی می دانیم که حوادث این گونه عمل نمی کنند و سیر تاریخ هم خطی نیست. بنابراین وضعیت ناروشنی در پیش داریم.

*** به نظر شما پژوهشگران وصاحب نظران، می توانند بی توجه به خط فکری دولت جدید، کارشان را ادامه بدهند و به تحقیق بپردازند؟**

طبعاً تحت تأثیر نگاه دولت قرار نمی گیرند، بلکه مکانیسم درون زای خود علم است که تعیین می کند پژوهشگران به چه مسائلی بپردازند یا نپردازند. ولی از این نظر که جو عمومی کشور به چه صورت باشد، آنها تحت تأثیر رفتار دولت وارزیابی جایگاه خودشان توسط دولت، قرار می گیرند. به هر صورت، جامعه دانشگاهی یک جامعه نخبه گراست که براساس نوعی اجماع کار می کند. اگر چنین اجماعی به صورت شکننده در کار باشد، طبعاً نمی توان انتظار داشت که کارها به خوبی پیش برود.

*** در این هشت سال مورد بحث، این اجماع را می دیدیم؟**

من فکر می کنم که چنین تقسیم کاری وجود داشت. یعنی جامعه پژوهشگران کار خودشان را می کردند ومشکلات فراوانی هم داشتند، دولت هم کار خودش را می کرد. بنابراین در یک سطح نهادی، انتظاری متقابل از همدیگر داشتند. ولی باوجود این اجماع، در همین ایام، نارضایتی هایی از سمت دانشجویان نسبت به سطح علمی دانشگاه دیده می شد.

این ماجرا بستگی به این دارد که شما در بحث علم، ملاک خود را بین المللی تعیین کنید یا خیر. اگر ملاک، جهانی باشد طبعاً باید تابع آن ملاک ها شد وآنها را سرمشق قرار داد. ولی اگر اختلافی در سطح وجود دارد، باید این اختلاف در میان سطوح مختلف باشد، نه در میان رساله هایی که در ایران نگاشته می شود و رساله هایی که در سطح جهان به نگارش در می آید. ملاک قرار دادن این اختلاف، جایز نیست. اگر شما اختلاف سطحی در داخل دارید، جای خودش را دارد. اما بین ایران وجهان، علی الاصول باید این اختلاف وجود نداشته باشد. در سطح علوم پایه و فنی وپزشکی، این ملاک به کار آمده است ومورد تأکید خاصی قرار گرفته است؛ از طریق چاپ دستاورد رسالات درمجلاتی که در آنها داوری می شوند و در سطح بین المللی از حیثیتی برخوردار هستند.

***شخصیت خود آقای خاتمی که بیشتر دارای جنبه های فرهنگی و حکیمانه است تا علمی به مفهوم دقیق آن، تا چه اندازه بر فضای پژوهشی کشور در این ایام تأثیر داشت؟**

شخصیت ایشان خود الهام استثنایی است و اگر هم نتوانست جوامع فکری ما را به هم منطبق کند، لااقل این جوامع را به صورت مماس نگاه داشت. جدای از این مسأله آقای خاتمی خودشان صاحب فکر ونظر و دید جهانی هستند و همین مسأله به اندازه کافی ،انواع و اقسام ابتکارات در دل خودش داشته که فضای فوق العاده مطلوبی را برای مشارکت های علمی بین المللی فراهم کرد.

این نگاه و زاویه دید هم منحصر به فرد ایشان بود.

*** این نوع نگاه و طرز تلقی خاص آقای خاتمی ، تا چه اندازه بر جامعه علمی کشور تأثیر گذاشت؟**

ما دریک تحقیق تجربی، این پرسش را طرح کردیم که افراد محقق تا چه اندازه خودشان را به جامعه علمی وابسته می دانند. تقریباً اجماع بر این بود که آنها خودشان را جزو لاینفک جامعه علمی جهانی می دانستند، ولی مردد بودند که بگویند جزو جامعه علمی ملی هستند.

این که آنها چنین قضاوتی داشتند، نشان دهد که هنوز سیرتحول علمی ما به آن بلوغ لازم نرسیده است. بنابراین، با این وصف که مسأله این افراد، فردیت خودشان و جامعه علمی جهان بود، فکر می کنم که گفتارها و اظهارنظرهای رسمی آقای خاتمی درمورد وضعیت جهان، برایشان تسکین کننده بود.

رشد شاخص های کلان اقتصادی

تشریح عملکرد اقتصادی هشت سال دولت خاتمی

* سیدصفدر حسینی

وزیر امور اقتصادی ودارایی در واپسین روزهای حضورش در ساختمان قدیمی باب همایون بالرائه گزارشی به تشریح عملکرد اقتصادی هشت سال دولت خاتمی پرداخت.

گزارش ارائه شده از سوی سیدصفدرحسینی در سه سطح تهیه شده است. در سطح اول آن، تصویری آماری از متغیرهای کلان اقتصادی، روند تحولات این متغیرها ومیزان تحقق آنها در مقایسه با پیش بینی اهداف کمی برنامه سوم توسعه ارائه شده است.

سطح دوم گزارش وزیر اقتصاد، به بررسی سیاست های کلان اقتصادی که دولت برای دستیابی به اهداف و پیش بینی های برنامه اتخاذ واجرا کرده، می پردازد.

و بالاخره در سطح سوم گزارش عملکرد اقتصادی هشت سال دولت خاتمی به برخی دستاوردها و تبیین اقدامات عملی واجرایی توسط دولت که در هشت سال و در قالب به کارگیری سیاست های پیش گفته به مرحله اجرا درآمده، اشاره شده است.

عکس: فارس

سطح اول (روند تحولات متغیرهای کلان)

۱ - تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ ؛ از میزان ۲۹۱۷۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ به ۳۹۷۳۰۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. رشد تولید ناخالص داخلی نشان دهنده نرخ رشد اقتصادی کشور است که در بوازه هشت ساله ۸۳ - ۱۳۷۶ به طور متوسط سالانه ۴/۳۲ درصد بوده است.

البته در سال ۷۷ - ۱۳۷۶ به دلیل کاهش شدید درآمدهای نفتی وپدیده خشکسالی نرخ رشد اقتصادی کاهش یافت و این امر بر متوسط نرخ رشد دوره هشت ساله اثر گذاشت، در حالی که نرخ رشد متوسط سالانه اقتصادی در طول برنامه سوم ۵/۴ درصد بوده که نزدیک به اهداف کمی برنامه سوم توسعه بوده است.

۲ - درآمد سرانه ؛ از جمله شاخص های مهم و کلیدی است که درآمارهای جهانی برای تعیین سطح متوسط رفاه اقتصادی مردم در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ از میزان ۴۰۱۸ هزار ریال در سال ۱۳۷۶ به ۵۵۰۶ هزار ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. در واقع در سال ۸۳ - ۱۳۷۶ به طور متوسط سالانه درآمد سرانه معادل ۴ درصد افزایش یافته است و این در حالی است که جمعیت کشور از ۶۱ میلیون نفر در سال ۷۶ به حدود ۶۸ میلیون نفر در سال ۸۳ رسیده است.

۳ - نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی ؛ شاخصی است که نشان می دهد چند درصد از تولید ملی در چرخه سرمایه گذاری مجدد قرار گرفته و به جای آنکه به مصرف نهایی رسانده شود برای تقویت بنیان های تولیدی کشور مورد استفاده قرار گرفته است.

این نسبت در سال ۱۳۷۵ معادل ۲۶/۴ درصد بوده که با یک روند افزایشی در سال ۱۳۸۳ و ۲۸/۷ درصد رسیده است.

درمجموع می توان گفت درسال ۷۶ به میزان ۸۳۷۶۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۷۶ ،درقالب سرمایه گذاری به اقتصاد کشور تزریق شده که این میزان در سال ۱۳۸۳ به ۱۴۲۴۳۰ میلیارد ریال افزایش یافته است.

اگر چه این رقم نسبت در مقایسه با میزان مورد نیاز برای کشور ایران (که ۳۵ درصد است) فاصله دارد، ولی روند رو به رشد این نسبت نشانگر حرکت به سمت سرمایه گذاری بیشتر در کشور است.

۴ - درآمدارزی کشور؛ متشکل از درآمدارزی نفت وگاز و درآمد ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی از ۱۸/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۶ به رقم ۴۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ رسیده است که سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در این افزایش قابل توجه است.

به طوری که صادرات کالاهای غیرنفتی کشور از رقم ۲/۹ میلیارددلار درسال ۷۶ به ۷/۶ میلیارد دلار در سال ۸۳ افزایش یافته که نشانگر رشدی معادل ۱۶۲ درصد است.

در دوره اجرای برنامه سوم توسعه، صادرات خدمات از ۹۸۰ میلیون دلار در سال اول برنامه به حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۸۳ افزایش یافته است.

در مجموع اهداف برنامه سوم در مورد صادرات کالاها و خدمات به میزان ۹۵ درصد محقق شده است.

۵ - از جمله شاخص های مهم دیگر، نرخ تورم است. دولت از مقطع سال ۱۳۷۶ به بعد تلاش مستمری در موردثبات نسبی سطح عمومی قیمت ها انجام داد، به طوری که از آن مقطع تاکنون روند تورمی نرخ تورم را حفظ کرده است.

متوسط نرخ تورم در دوره هشت ساله ۸۳ - ۱۳۷۶ معادل ۱۵/۷ درصد بوده که در مقایسه با اهداف برنامه سوم (۱۵/۹ درصد) حاکی از توفیق سیاستگذاران پولی در کنترل این متغیر مهم اقتصادی است.

پیش بینی برنامه سوم در مورد نرخ تورم به طور متوسط ۱۵/۹ درصد بوده در حالی که عملکرد این نرخ ۱۴/۱ درصد است.

۶ - کاهش نرخ بیکاری ؛ از جمله اهداف کلیدی دولت در این دوره هشت ساله به شمار می رود و به رغم روند رو به رشد، عرضه نیروی کار که به دلیل نرخ رشد بالای جمعیت در دهه اول انقلاب (۳/۹ درصد) رخ داده، تلاش های دولت در این زمینه موفقیت آمیز بوده است.

متوسط نرخ بیکاری در برنامه دوم توسعه اقتصادی ۱۶ درصد بوده که از طریق تمهیدات اندیشیده شده در برنامه سوم، نرخ بیکاری در پایان سال ۸۳ ، به ۱۰/۴ درصد کاهش یافته است.

متوسط سالانه شغل ایجاد شده در برنامه دوم توسعه ۲۸۱ هزار نفر بوده که درچهار سال نخست اجرای برنامه سوم توسعه این رقم به ۵۷۰ هزار شغل افزایش یافته است. البته به رغم دو برابر شدن فرصت های شغلی در این دوره، همچنان عرضه بالای نیروی کار باعث شد تا ایجاد بسترهای لازم برای خصوصی سازی فعالیتهای تصدی صنعت بیمه وتقویت نقش نظارتی دولت و ایجاد شفافیت در انجام معاملات وعملکرد بنگاههای اقتصادی از جمله موارد واحکام مربوط به بازارهای مالی است که در هشت سال گذشته به اجرا درآمده است.

سطح دوم: سیاست های کلان اقتصادی دولت

گزارش آماری که از شاخص های کلان اقتصادی ارائه شد، نتیجه سیاست های کلان اقتصادی است که در دوره هشت ساله ۸۳ - ۱۳۷۶ اتخاذ شده است.

به دلیل شوک نفتی که در دو سال اول آغاز فعالیت دولت جدید اتفاق افتاد و درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت وگاز را از ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ به میزان ۱۵/۵ میلیارد دلار در سال ۷۶ و ۹/۹ میلیارد دلار در سال ۷۷ کاهش داد، اتخاذ سیاست هایی افزون بر سیاست های تبیین شده در برنامه دوم توسعه را اجتناب ناپذیر ساخت و لذا نخستین اقدام مهم دولت، تدوین طرح ساماندهی اقتصاد کشور بود که اصلاحات عمیق ساختاری رادرسیاست های کلان اقتصادی دنبال می کرد.

سیاست هایی که توسط دولت در طرح ساماندهی اقتصادی و به دنبال آن در برنامه سوم توسعه اتخاذ شد را می توان به ترتیب زیر تقسیم بندی کرد:

ب - ۱) سیاست های مالی

۱ - سیاست هایی که موجبات شفاف شدن درآمدها و هزینه های دولت را فراهم سازد و قادر به تفکیک میان ثروت عمومی و درآمد عمومی بشود به گونه ای که از یک سوثروت های بین نسلی حاصل از فروش ذخایر زیرزمینی را به سرمایه گذاری وتقویت بنیان های تولیدی تبدیل کند و از سوی دیگر منطقی کردن، تحلیل مالیات از عاملان اقتصادی به صورتی که بخش زیادتری از سود حاصل از فعالیت های خود را در چرخه سرمایه گذاری مجدد قرار دهند، از جمله رئوس «طرف درآمدی» سیاست های مالی دولت در طرح ساماندهی اقتصادی و برنامه سوم توسعه اقتصادی به شمار می رود.

در این جهت، اصلاح طبقه بندی های بودجه ای و تغییر نگرش بودجه عمومی به نفت خام از نگاه درآمدی به دارایی های سرمایه ای و به تبع آن تشکیل حساب ذخیره ارزی با هدف تبدیل درآمدهای حاصل از صادرات نفت به تولید ثروت و همچنین اصلاح نرخ های مالیاتی و منطقی کردن این نرخ ها برای حمایت از سرمایه گذاری و تولید از جمله اقدامات مهمی بود که پیگیری شد.

۲ - سیاست هایی که زمینه های کوچک شدن اندازه دولت را فراهم کند وقادر به تفکیک میان وظایف حاکمیتی و تصدی گری دولت شود نیز محور اصلی «طرف هزینه ای» سیاست های مالی دولت بوده است.

در این راستا، پیگیری اقدامات مربوط به خصوصی سازی، کارآمدسازی کارکنان بخش دولتی و حذف یارانه های غیر منطقی ارزی و اعتباری به دستگاه های اجرایی دولت از جمله اقداماتی است که در طرف هزینه های سیاست های مالی دنبال شد.

ب - ۲) سیاست های پولی و بازار سرمایه

۱ - تداخل ابزارهای پولی و ابزارهای مالی و تسلط سیاست های مالی و بودجه ای بر سیاست های پولی، موجبات عدم کارایی بازار پول را به وجود آورده بود و در واقع، ذخایر سیستم بانکی به عنوان پشتوانه مالی نیازهای بودجه ای دولت عمل می کرد.

تلاش در جهت استقلال سیاست های پولی و اثر بخش کردن این سیاست ها بر بخش حقیقی اقتصاد از جمله محورهای اساسی در این باره به شمار می رود. در این مسیر، اقداماتی نظیر ممنوعیت دولت از استقراض از بانک مرکزی، کاهش تسهیلات تکلیفی، آزادسازی تدریجی منابع بانک ها به بخش های اقتصادی، افزایش سرمایه بانک ها با هدف بالا بردن نسبت کفایت سرمایه، تأسیس بانک های خصوصی و فراهم ساختن زمینه های خصوصی سازی بانک ها و بیمه های دولتی پیگیری شد.

۲ - حفظ قدرت خرید وثبات نسبی قیمت ها از جمله مؤلفه های مهم سیاست های پولی به شمار می رود. اقتصاد ایران به لحاظ مشکلات ساختاری طرف عرضه که هوای عمل می کند که با افزایش عرضه پول، نرخ تورم افزایش می یابد. لذا کنترل حجم نقدینگی همواره یکی از اقداماتی است که سیاستگذاران پولی برای جلوگیری از افزایش افسار گسیخته نرخ تورم دنبال کرده اند.

۳ - بدهی های بخش دولتی (دولت وشرکت های دولتی) به سیستم بانکی که غالباً به دلیل انجام بودجه های اتفاق افتاده و سیستم بانکی تحمیل شده، همواره به عنوان یکی از مؤلفه های مهم تشدید نرخ تورم عمل کرده است.

جایگزین کردن اوراق مشارکت برای نیازهای سرمایه گذاری دستگاههای اجرایی دولت به جای استفاده از منابع بانکی، پرداخت یارانه های نرخ سود و اعتبارات ترجیحی از طریق بودجه های سالانه وتلاش دولت در احصا وکنترل و کاهش بدهی های خود به سیستم بانکی وبرنامه ریزی برای تسویه این بدهی ها، که این تلاش ها در قانون برنامه چهارم نیز انعکاس یافته است، از جمله اقداماتی به شمار می رود که به کنترل نرخ تورم کمک کرده است.

۴ - تلاش برای تعمیق و توسعه بازار سرمایه کشور، گسترش بورس های منطقه ای، تأسیس بورس های کالایی، توسعه شبکه رایانه ای بازار سرمایه، توسعه وبهبود کیفیت خدمات و رقابتی کردن فعالیت صنعت بیمه و ایجاد بسترهای لازم برای خصوصی سازی فعالیتهای تصدی صنعت بیمه وتقویت نقش نظارتی دولت و ایجاد شفافیت در انجام معاملات وعملکرد بنگاههای اقتصادی از جمله موارد واحکام مربوط به بازارهای مالی است که در هشت سال گذشته به اجرا درآمده است.

ب - ۳) سیاست های ارزی

۱ - سیستم چندگانه نرخ ارز علاوه بر آنکه به دوگانگی های اقتصادی می انجامد، زمینه های ایجاد رانت و فساد را در نظام اقتصادی فراهم می سازد. سیستم های چندگانه ارزی در شرایطی که شفافیت بودجه ای نیز وجود ندارد به طور تصاعدی اختلالات قیمتی و تخصیص بهینه منابع را دامن می زند.

۲ - تنظیم سیاستهای ارزی به گونه ای که موجب حفظ ارزش واقعی پول ملی شود، روند متناسب ومتعادل نرخ ارز ونرخ تورم پس ازیکسان سازی نرخ ارزنشانگر توفیق دولت در به کارگیری این سیاست است.

۳ - تنظیم سبد ارزی (پرتفوی ارزی) به گونه ای که تغییرات نرخ اسعار خارجی در مقابل پول داخلی قادر به حداکثر کردن ارزش سبد دارایی های کشور باشد، از جمله اقدامات مهم دیگر در این دوره به شمار می رود به طوری که حساب ذخیره تسعیر دارایی های ارزی در حال حاضر بستانکار است.

۴ - انباشته شدن بدهی های خارجی دولت تا مقطع سال ۱۳۷۶ و تداوم منفی شدن حساب سرمایه تراز پرداخت های کشور از جمله نگرانی های مهم دولت پس از سال ۷۶ بود به گونه ای که زمان بندی بازپرداخت بدهی ها و تعهدات کوتاه مدت و بلندمدت خارجی به صورت احکام برنامه ای در برنامه سوم توسعه مدنظر قرار گرفت.

تسویه این بدهی ها مطابق با زمان بندی برنامه آثار مثبت زیادی را بویژه در مورد جایگاه اعتباری کشور در عرصه جهانی به جای گذاشت.

با توجه به افزایش مستمر ذخایر ارزی بانک مرکزی و تمهید سبد ذخیره ارزی در حال حاضر تمام خطوط اعتباری خارجی بر روی کشور باز است.

۵ - اصلاح نرخ های تعرفه بازرگانی خارجی وتبدیل موانع غیرتعرفه ای به تعرفه ای، موجبات گسترش تجارت خارجی را در کشور به وجود آورد به طوری که سیاست جهش صادراتی به عنوان یکی از احکام برنامه ای مورد نظر قرار گرفت. روند افزایش صادرات غیرنفتی در سالهای اجرای برنامه سوم نشانگر موفقیت این سیاست است.

۶ - سیاست های ارزی در سالهای برنامه سوم در جهت تسهیل تجارت، پرداخت های ارزی و آزادسازی تدریجی مبادلات ارزی به مرحله اجرا گذاشته شد. در این دوره تمام مبادلات ارزی مربوط به حساب جاری تراز پرداخت ها ناظر بر مبادلات کالایی و پرداخت های بابت خدمات ارزی، آزادسازی شد.

علاوه بر آن مبادلات ارزی اقلام تراز پرداخت ها به صورت تدریجی و اداره شده موردنظر قرار گرفت.

ب - ۴) سیاست های اشتغال

۱ - هرچند در ادبیات متعارف اقتصادی، بازار کار به عنوان یک بازار مشتقه مطرح می شود وعملکرد این بازار تحت تأثیر سایر بازارها (بازار پول، سرمایه وتولید) قرار می گیرد، ولی به دلیل فشاری سابقه عرضه نیروی کار که ریشه در نرخ رشد بالای جمعیت در دهه اول انقلاب دارد.

برنامه سوم توسعه احکامی را در مورد سیاستهای اشتغال مدنظر قرار داد. این سیاستها، عمدتاً سیاستهای فعال بازار کار بوده وعلاوه بر جنبه های حمایتی وهدایتی بازار کار، به تزریق منابع ویژه بودجه ای برای تحرک طرف تقاضای بازار کار نیز اهتمام ورزیده است.

۲ - از جمله اقداماتی که در چارچوب سیاستهای اشتغال مورد پیگیری قرار گرفته، اختصاص منابع بودجه عمومی تحت عنوان وجوه اداره شده، معافیت از حق بیمه ومالیات، معافیت از حقوق وعوارض دولتی، اعزام نیروی کار به خارج، تخصیص منابع سپرده قرض الحسنه ای بانکها واقدامات مربوط به حفظ اشتغال موجود است. تعداد فرصت های شغلی ایجادشده از محل وجوه اداره شده وموضوع بند (ل) تبصره قانون بودجه سال ۸۱، تا پایان سال ۱۳۸۲ معادل ۲۷۴ هزار نفر بوده است.

ب - ۵) سیاستهای معطوف به اصلاح قوانین و مقررات و تسهیل سازی امور

۱ - فرایند یک فعالیت اقتصادی از اخذ مجوز تا اخذ تسهیلات پیچیدگی ها وموانع ارزی متعدد و طاقت فرسایی را به همراه داشت که در برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اصلاح این ساختارهای اداری با نگاه ویژه ای پیگیری شد.

اعطای موافقت های اصولی و مجوزهای مربوط به ویژه در بخش صنعت تا حد زیادی تسهیل شد. به طوری که در سالهای پایانی برنامه، اخذ موافقت های اصولی برای اغلب فعالیتهای اقتصادی لغو شد. این تسهیلات در بخش صادرات و واردات کالاها به میزان برجسته تری نمود پیدا کرده است که در یک مقایسه نسبی با قبل از این تحولات بهتر می توان درمورد آن قضاوت کرد.

۲ - در بخش تجارت خارجی علاوه بر منطقی شدن نرخ های تعرفه بازرگانی، مقررات مربوط به درصد قابل ملاحظه ای از کالاهای وارداتی که قبلاً نیاز به کسب مجوز ورود از دستگاهها وسازمانهای مختلف داشتند، لغو شد و همچنین صدور تمام کالاها (به استثنای کالاهایی که از یارانه های دولتی استفاده می کنند) آزاد اعلام شد.

۳ - مقرراتی که در بازار کار، موانعی را بر سر جذب نیروی کار به وجود می آورد مورد اصلاح قرار گرفت و اصلاح روابط کار ونقش تشکل های کارگری و انجمن های کارفرمایی برجسته شد و در حال حاضر گفت وگوهای سه جانبه به عنوان یک سیاست جدید نهادینه شده است.

۴ - ادغام برخی از وزارتخانه ها موجبات کاهش هزینه ها و نیز افزایش کارایی نیروی شاغل در این دستگاهها را فراهم آورد و مهمتر آنکه امکان پاسخگویی درمورد عملکرد وزارتخانه های متولی بخش های اقتصادی ذیربط را در مقایسه با زمانی که تداخل و توازی در مأموریتها و وظایف وجود داشت فراهم ساخت.

۵ - اصلاح برخی از قوانین پایه نظیر قانون مالیاتها، تجمیع عوارض، جلب وحمایت از سرمایه خارجی، نوسازی صنایع، نظام جامع تأمین اجتماعی که می تواند در تحرک بخش اقتصاد و صنعت کشور نقش بسزایی ایفا کند.

سطح سوم: اقدامات اجرایی و دستاوردها

سیاستهایی که در سطح دوم گزارش به آن اشاره شد، زمانی پاسخ مثبت خود را به طور عینی ارائه می داد که متناسب با آن اقدامات اجرایی و عملی از سوی دولت و دستگاههای وابسته به آن انجام پذیرد. در این بخش برخی اقدامات و دستاوردهای حاصل از آن را به تفکیک مورد بررسی قرار می دهیم:

ج - ۱) اقدامات اجرایی در حیطه سیاست های مالی

۱ - شفافیت در بودجه و اصلاح ساختار بودجه مطابق با استانداردبین المللی GFS .در راستای این اصلاحات، منابع حاصل از تولید و صادرات نفت خام تحت عنوان «واگذاری دارایی های سرمایه ای» طبقه بندی شد و این منابع در قالب ثروت ملی تخصیص داده شد.

به موجب ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه و اصلاحات بعدی، نیمی از مانده حساب ذخیره ارزی به بخش خصوصی برای سرمایه گذاری اختصاص و نیمی دیگر نیز که از طریق احکام بودجه ای به مصرف رسیده تحت عنوان «واگذاری دارایی های مالی» در ساختار بودجه ای طبقه بندی شد.

۲ - یارانه حامل های انرژی که در ساختار قبلی بودجه از جمله اقلام غیرشفاف به شمار می رفت، در اصلاح نظام بودجه ریزی در دو طرف درآمدها وهزینه ها شفاف سازی شد.

۳ - قانون مالیاتهای مستقیم با اصلاحات اساسی مواجه شد. نرخ های نهایی مالیات به نفع سرمایه گذاری و تولید کاهش یافت و این نرخ برای فعالیتهای مولد به صورت یکسان و به سطح ۲۵ درصد تقلیل یافت.

به علاوه درراستای ساده سازی قانون، تعدد وتنوع غیرمنطقی نرخ های مالیاتی نیز تا حد زیادی کاهش یافت، اعتماد به مؤدیان مالیاتی و طرح خوداظهاری گسترش پیدا کرد و ساختار بوروکراسی و متعدد هیأت های حل اختلاف اصلاح و نظام تشخیص از وصول مالیات منفک شد.

متوسط نرخ از ۲۶/۵ درصدی درآمدهای مالیاتی به رغم کاهش نرخ های نهایی مالیات در سالهای پس از اصلاحات قانون که بیش از متوسط نرخ رشد اسمی تولید ناخالص داخلی است، از دستاوردهای اصلاحات قانون مالیات ها به شمار می رود.

۴ - عوارض متعدد ومتنوع از تولید وواردات در قالب تدوین قانون تجمیع عوارض یک کاسه شد و از این طریق هزینه های مبادله برای بخش تولید که ناشی از پیچیدگی های اداری و صرف زمان برای انجام تکالیف قانونی بود تا حد زیادی مرتفع شد.

۵ - تهیه وتدوین لایحه مالیات برارزش افزوده و جایگزین کردن پایه مصرف به جای پایه تولید در اخذ مالیات.

۶ - برقراری نظام درآمد - هزینه استانی و تشکیل شورای برنامه ریزی و توسعه استانها با هدف تمرکز دادیی و اعطای اختیارات تخصیص منابع به نهادهای محلی و منطقه ای.

۷ - تقویت روند خصوصی سازی و اصلاح روشهای واگذاری ، قیمت گذاری وایجاد ارتباط میان سیاست های خصوصی سازی با بازار سرمایه.

با توجه به تجارب حاصل از فرآیند خصوصی سازی در برنامه سوم توسعه، نگرش درآمدی به خصوصی سازی دگرگون و به کارگیری معیارهای اقتصادی در سیاست های خصوصی سازی از جمله اقدامات مهمی است که دررونامه چهارم توسعه به آن عنایت ویژه ای شده است.

۸ - حذف یارانه های ارزی به برخی دستگاهها و بخشهای اقتصادی که در قالب احکام و تبصره های بودجه ای اختصاص داده می شد و موجبات عدم شفافیت بودجه را فراهم می ساخت.

۹ - جهت گیری بودجه عمومی به سمت تخصیص پرداخت مابه التفاوت نرخ های سود و کارمزد نظام بانکی به بخشهای اقتصادی دارای اولویت.

۱۰ - کاهش کارکنان بخش دولتی به میزان ۵ درصد در طول برنامه سوم توسعه و بهبود کیفی نیروی انسانی شاغل در دستگاههای دولتی.

ج - ۲) اقدامات اجرایی در حیطه سیاستهای پولی و بازار سرمایه

۱ - تأسیس و راه اندازی ۵ بانک خصوصی و ۳ مؤسسه اعتباری و ۱۳ شرکت بیمه خصوصی.

۲ - افزایش سهم منابع آزاد اعتباری بانکها از ۲۰ درصد در سال اول برنامه سوم به ۴۵ درصد در سال ۱۳۸۳.

۳ - کاهش میانگین نرخ سپرده قانونی بانکها نزد بانک مرکزی از ۲۱ درصد به ۱۷ درصد

۴ - کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی دولتی در چهار مرحله وهربار به میزان یک درصد

۵ - کاهش سهم تسهیلات تکلیفی به کل تسهیلات از ۱۸ درصد در ابتدای برنامه سوم به ۱۰ درصد در سال ۸۳

۶ - تغییر جهت گیری دولت از گسترش مالکیت شرکتهای دولتی به خصوصی سازی شرکتهای دولتی و ساماندهی شرکتهای دولتی در قالب شرکتهای مادر تخصصی و کاهش تعداد شرکتهای دولتی

۷ - افزایش تعداد شعب مکانیزه بانکی با رشد متوسط سالانه ۱۴ درصد در سالهای ۸۳ - ۱۳۷۵

۸ - جذب نقدینگی زنده نظام بانکی برای تجهیز منابع سرمایه گذاری به طور متوسط سالانه معادل ۳۰ درصد در سال های ۸۳ - ۱۳۷۵

۹ - تلاش در جهت اعمال استانداردهای متعارف بین المللی حسابداری در صورت های مالی بانکها

۱۰ - تقویت پایه سرمایه بانکها با تزریق ۵۰۰۰ میلیارد ریال منابع مالی دولت به منظور افزایش نسبت کفایت سرمایه

۱۱ - ۲۴ برابرشدن حجم معاملات، ۱۲ برابرشدن ارزش جاری بازار سهام در سال ۸۳ در مقایسه با سال ۷۵ و افزایش نسبت ارزش جاری سهام به تولیدناخالص داخلی GDP از ۱۲ درصد در سال ۷۵ به ۳۳ درصد در سال ۸۳ .

۱۲ - راه اندازی ۱۴ بورس منطقه ای در مناطق مختلف کشور و برنامه ریزی برای پوشش تمام استانها و تأسیس بازار بورس کالاهای کشاورزی وفلزات وتدوین و ارائه لایحه بازار اوراق بهادار به مجلس.

۱۳ - ضریب نفوذ بیمه ای از ۵۳ درصد در سال ۷۵ به ۱/۲ درصد در سال ۸۳ افزایش یافته که نشانگر رشد متوسط سالانه ۱۱ درصد است.

همچنین در راستای کاهش تصدی گری صنعت بیمه، تعداد نمایندگی های بخش خصوصی در دوره ۸۳ - ۱۳۷۵ به طور متوسط سالانه ۲۲ درصد رشد داشته است و حق بیمه دریافتی شرکتهای بیمه در دوره ۸۳ - ۱۳۷۵ از رشد متوسط سالانه معادل ۳۸ درصد برخوردار شده است.

د) ارزیابی برخی تحولات دربخش های حقیقی اقتصاد

علاوه بر مواردی که تحت قالب سیاستهای کلان اقتصادی و اقدامات مربوط به آن مورد اشاره قرار گرفت مناسب است به برخی از تحولاتی که ناشی از به کارگیری این سیاستها در بخش حقیقی اقتصاد ایجاد شده نیز نظر افکنیم.

د - ۱) سرمایه گذاریها

درمنطقه پارس جنوبی میزان ۶/۷ میلیارد دلار در طرح های پتروشیمی سرمایه گذاری شده که از منابع فاینانس تأمین شده است.

میزان سرمایه گذاری برای سدهای کرخه معادل ۱۳۸۶/۳ میلیارد ریال، مسجدسلیمان ۷۸۳۶ میلیارد ریال و کارون ۳ معادل ۷۲۸۰ میلیارد ریال بوده است.

میزان سرمایه گذاری در فرودگاه امام خمینی (ره) معادل ۲۶۹۸/۳ میلیارد ریال بوده است.

میزان سرمایه گذاری برای خط آهن بافق - مشهد و خط آهن تربت حیدریه به سنگان هرات معادل ۳۸۵۱/۵ میلیارد ریال بوده است. سه قلم سرمایه گذاری مذکور از محل اعتبارات تملک دارایی های قوانین بودجه سنواتی تأمین مالی شده است.

د - ۲) میزان تولید

تولید فولاد در سال ۱۳۷۶ معادل ۶/۰۵۹ میلیون تن بوده که این میزان در سال ۱۳۸۳ معادل ۸/۹۸۹ میلیون تن افزایش یافته است.

تولید سیمان در سال ۱۳۷۶ معادل ۱۹/۴۷۰ میلیون تن بوده که در سال ۱۳۸۳ به ۳۲/۱۹۹ میلیون تن افزایش یافته است.

تولیدگندم درسال ۱۳۷۶ ،معادل ۱۰/۰۴۵ میلیون تن بوده که در سال ۱۳۸۳ به ۱۴ میلیون تن افزایش یافته و کشور دراین سال در تول